



جنگی میان همه جنگ‌ها



سرمقاله

جنگ تمام نشده است، همانطور که شروع آن سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد نبود. حالا هم تمام نشده است و ادامه دارد. آن ۱۲ روز جلوه و بُعدی خاص از جنگی بود که از دهه‌ها پیش در میادین مختلف و گوناگون آغاز شده است.

برخی میدان‌های آن سروصدا و گلوله و خون دارد- مثل ترور دانشمندان هسته‌ای در دهه ۹۰ و بعضی دیگر از جنس عملیات‌های خاموش و بی سروصداست؛ مثل تهاجم فرهنگی و عملیات رسانه‌ای و روانی، جنگ اقتصادی، جنگ علمی، جنگ دیپلماتیک و جنگ سایبری از دیگر ابعاد این نبرد همه‌جانبه و تمام‌عیار است.

هرکدام از این میادین و ابعاد مختلف درگیری، مختصات، عوامل، سربازان، تکنیک‌ها، ویژگی‌ها و ابزار خاص خود را دارد اما یک عامل و عنصر در تمام این نبردها حیاتی و تعیین‌کننده است؛ امید. جبهه‌ای که

ناامید باشد، با قاطعیت می‌توان گفت نبرد را پیشاپیش باخته است. دشمن نیز از سال‌ها پیش درباره این موضوع و عنصر، کار تخریبی فراوانی را شروع کرده است. برنامه‌ای همه‌جانبه و مفصل و البته پیچیده که اقشار مختلف را دربرمی‌گیرد و می‌خواهد

هرکدام را به نحوی ناامید سازد. با اندکی دقت می‌توان دریافت که قشر جوان ایرانی، در مرکز اهداف این برنامه راهبردی قرار دارد. چراکه جوانان موتور محرکه و نیروی اصلی هرکدام از میادین نبرد فوق هستند. واقعیت آن است که در این نبرد شناختی و ذهنی، امکانات دشمن به هیچ‌عنوان با امکانات ماقابل قیاس نیست. آنان از به‌روزترین و مدرن‌ترین فناوری‌ها و ابزار برای این نبرد برخوردار هستند و بودجه‌هایی که در این مسیر هزینه می‌کنند به هیچ‌عنوان با بودجه‌های ایران تناسی ندارد. کارشان را هم از منظری خوب بلدند! نقاط ضعف را صد برابر بزرگ می‌کنند

و نقاط قوت را با پنهان کرده یا به آن خدشه وارد می‌سازند.

متأسفانه برخی در داخل نیز آگاهانه یا ناآگاهانه در زمین دشمن توپ می‌زنند و با رفتار و گفتار غلط خود، به عملیات ناامیدسازی دشمن دامن می‌زنند و درواقع به جبهه خودی خیانت می‌کنند.

به‌رحال این کشور از مشکلاتی مزمن و تاریخی رنج می‌برد که میراث حکومت‌های وابسته و فاسد پیشین است. عقب‌ماندگی از قافله علم و پیشرفت جهانی در دو قرن اخیر تنها یک نمونه از این آسیب‌هاست. در کنار آن فشار بی‌امان دشمن در حوزه‌های مختلف که فقط یکی از آنها برای خرد کردن هر کشور و ملتی کافی است، خود عاملی دیگر است. نفوذی‌ها و غریزده‌ها دودسته دیگری هستند که به‌طرق مختلف برنامه دشمن را تسهیل و تکمیل می‌کنند. در چنین شرایطی، روی کاغذ و علی‌الظاهر همه چیز به نفع دشمن

و برنامه ناامیدسازی آن است.

اما در همین شرایط سخت و خطیری می‌بینیم که جوانان ایرانی در میادین ورزشی به کرات افتخار می‌آفرینند، مدال‌های علمی جهانی را به خانه می‌آورند، در میدان نظامی هم نوآوری و تولیدات کارآمد و شگفتی‌ساز دارند و هم وقت استفاده از آنها حماسه می‌آفرینند و بالاخره در میدان دفاع از وطن، با هر سلیقه و نگاهی، کنار هم در برابر دشمن متجاوز می‌ایستند. و این همان چیزی است که دشمن از درک آن عاجز بوده و علی‌رغم تمام برنامه‌ریزی‌ها و صرف بودجه‌های کلان، نمی‌تواند اهداف خود را محقق سازد. و بالاخره در پایان باید تأکید کرد امیدداشتن و امیددادن به معنای خوش‌خیالی و نادیده انگاشتن مشکلات نیست. اتفاقاً دل‌بستن به نقاط خیالی و چشم‌امید به دست‌اجنبی داشتن یکی از ابعاد برنامه دشمنان ایران عزیز است. ■

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم. از تمام نیروهای نظامی و امنیتی جان‌برکف کشورمان تشکر ویژه می‌کنم و همینطور از رهبر عزیزمان تشکر می‌کنم و

سلام
 بن‌امیر شهیدان و شهادت

یک جمله می‌خواستم بگویم: «آقا فقط یک اشاره کنید؛ آقا جان! خودم و خانواده‌ام داروندارم، همه چیزمان فدای شماست.» یا علی.

ماجرای اولین تست نقطه‌زنی موشک‌های ایرانی در جنگ



بعد از حمله‌ای که سال ۹۶ عناصر داعش به مجلس انجام دادند، لازم بود پاسخ محکمی به این گستاخی داده شود. آن زمان محضر رهبر معظم انقلاب پیشنهاد دادم که مقرر داعش در خاک سوریه را با موشک هدف قرار دهیم. پرسیدند این هدف تا نزدیک‌ترین شهر چه فاصله‌ای دارد؛ عرض کردم حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر فاصله دارد. ابتدا اجازه ندادند چون اطمینان نداشتند؛ اما من تضمین دادم و گفتم در آزمایش‌ها این نقطه‌زنی را چک کرده‌ایم و می‌توانیم با اطمینان عمل کنیم.

سرانجام موافقت حضرت آقا را اخذ کردیم. حاج قاسم هم آن موقع اطمینان نداشت که با این دقت بتوانیم عمل کنیم. پنج یا شش فروند موشک به مقرر فرماندهی جریان‌های تکفیری شلیک شد؛ فاصله مبدا تا مقصد حدود ۷۰۰-۸۰۰ کیلومتر و شاید نزدیک به ۱۰۰۰ کیلومتر بود. به غیر از ۲ موشک که با فاصله کمی از ساختمان‌ها برخورد کرد، بقیه موشک‌ها با دقت بالا به هدف اصابت کرد و این نخستین بار بود که توان نقطه‌زنی موشک‌های ایران به صورت عملیاتی و در میدان نبرد به جهان اثبات شد.

سر لشکر عزیز جعفری، فرمانده وقت سپاه



بنی آدم اعضای یکدیگرند

یک ایران، همدل است

تقدیم مدال علیرضا گودرزی ورزشکار روشندل فارسی اهل سپیدان به شهید علی محمد مدد الهی اردکانی در گلزار شهدای شهرستان اردکان یزد



نشان طلای گلبال آسیا برگردن مادر شهید جنگ ۱۲روزه

فرزند ایران

آقازاده

بعد سالها، همکلاسی‌اش او را در کوچه می‌بیند. حالا طلبه‌ی بیست‌وهشت ساله است اما با همان تواضع و احترام و مهریانی همیشگی. هنوز هم رفتار و کردارش بیشتر از سنش است و انگار نه‌انگار پسر یکی از سرداران نامدار این کشور است. همیشه نام کاملش را فاکتور می‌گرفت تا نکند شناخته شود؛ چه در یازده ساله که در کاروان راهیان نور خدمت می‌کرد، چه در اردوهای جهادی و حتی در دانشگاه و حوزه و حتی بین دوستان، که مبدا مخاطبش رفتارش برای احترام به منصب او باشد نه خود او. با وجود شش سال درس خواندن در دانشگاه به خاطر یک هفته اعلام دیرکرد برای پایان‌نامه، زحمتش هدر رفت اما حاضر نشد از منصب پدر کوچکترین حرفی بزند. مثل پدر بود. ساده‌زیست، و با وجود خرج زیاد برای درس و سفر، از پدر تقاضای پول نمی‌کرد. باینکه می‌توانست در بهترین ماشین بنشیند و بهترین هتل‌ها را در سفرهای زیارتی‌اش رزرو کند ولی همیشه دنبال پیدا کردن حسینه یا حوزه بود برای اقامت.

سرانجام در سحر بیست‌وسوم خرداد ماه امین عباس رشید، پسر سردار غلامعلی رشید همراه پدر در حمله رژیم صهیونیستی به خانه، آسمانی شد.

محیا عبدلی